

مروری بر مفهوم

برنامه‌ریزی هسته‌ای و کارکرد آن در

صندوق توسعه ملی

سرمایه‌گذاری فعال و غیر فعال ■



صندوق توسعه ملی



www.ndf.ir
روابط عمومی صندوق توسعه ملی

متعهدیم

تا زمان به نفع توسعه بپردازد

ثروت ملی

صاحب امتیاز:
صندوق توسعه ملی
مدیر مسئول:
مهدی غضنفری
سر دبیر:

علی مقدم زاده
دبیر هیأت تحریریه:
حسین افشاری
هیأت تحریریه:

اعظم هوشنگی، نگین حیدری زاده، مجید شکراللهی،
علیرضا تاج بر، محمد جواد ولی زاده

نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان گاندی
نبش کوچه پالیزوانی (هفتم)، پلاک ۲۵
تلفن: ۰۲۱-۴۲۸۵۵۰۰۰
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۷۹۶۱۴
پست الکترونیک: pr@ndf.ir
www.ndf.ir

شناسنامه

ماهنامه «ثروت ملی» از
علاقه مندان و صاحب نظران
دعوت می‌کند مقالات خود را
برای درج و انتشار به آدرس
Pr@ndf.ir
ارسال کنند.

فهرست

۱۱ ذات سرمایه‌گذاری و طرق آن در صندوق‌های ثروت ملی: اهمیت؟ چگونگی؟

۱۲ مروری بر مفهوم برنامه‌ریزی هسته‌ای و کارکرد آن در صندوق توسعه ملی

۱۳ سرمایه‌گذاری فعال و غیر فعال

۱۴ تاثیر صندوق توسعه ملی بر شاخص‌های کلان اقتصادی

۱۵ مروری بر اندیشه‌های اقتصاددانان در خصوص مفاهیم «رشد» و «توسعه»

۱۶ سازمان فرایند محور: مفاهیم، چگونگی تحقق



ذات سرمایه‌گذاری و طرق آن در صندوق‌های ثروت ملی: اهمیت؟ چگونگی؟

ادبیات صندوق‌های ثروت ملی از اوان ظهور این صندوق‌ها در دنیای اقتصاد، آنها را به‌عنوان ماشین‌های سرمایه‌گذاری مستقل و فعل ذاتی‌شان را سرمایه‌گذاری معرفی نموده است. البته هر صندوق ثروت ملی برای تحقق چشم انداز و مأموریت‌های مشخصی ایجاد شده و راهبردهای معین برای این مهم در دستور کار آنها وجود دارد. از جمله این راهبردها، راهبردهای سرمایه‌گذاری است. زیرا اساساً سرمایه‌گذاری (مستقیم و غیرمستقیم) یک فعل ذاتی و طرق تحقق مذکور مطلب است. در اینجا بدیهی است که ابهاماتی پس از اتخاذ روش‌ها، ابزارها و طرق کسب/تولید ثروت توسط صندوق‌های ثروت ملی در سه بخش: قانونگذاری، سیاست‌گذاری و میدان عمل (عملیاتی‌سازی) مشاهده شود. ابهاماتی که پس از تحصیل راه‌حل‌های رفع آن از طریق اجماع علمی و تجربی، به‌عنوان مشی اساسی این صندوق‌ها و موجب رشد صندوق‌ها شده است. اما نکته مهم این است صندوق‌ها بتوانند با تزریق خرد کفا و راهبردهای سرمایه‌گذاری موثر، سهم اقتصادی جدیدی به اقتصاد ملی (GDP و GNP) افزون نمایند. در امتداد همین بحث است که سوال چندبعدی "چرا طرق سرمایه‌گذاری در صندوق‌های ثروت ملی با اهمیت است؟"، باب جدیدی را باز می‌نماید. اولاً در مخلص



علی مقدم زاده
معاون مطالعات و
برنامه ریزی
(سر دبیر)



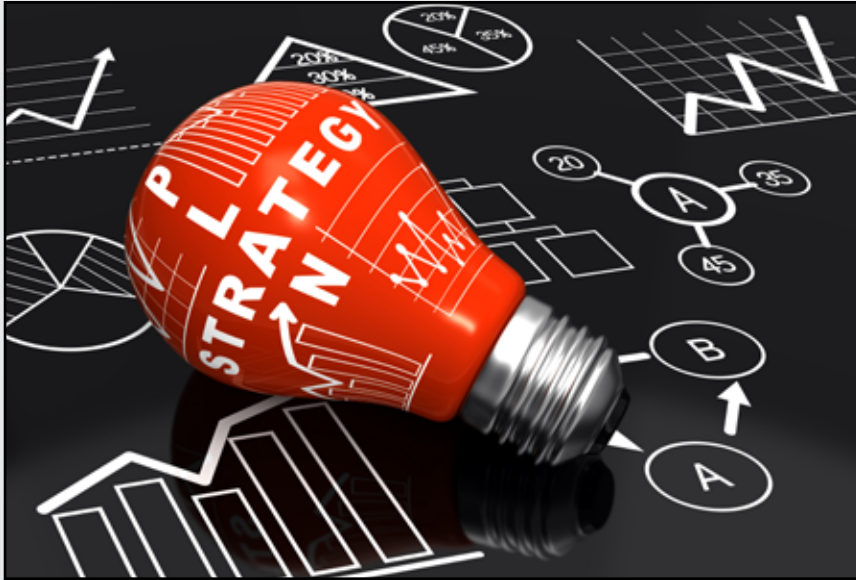
مقال، این طرق به سه دلیل بنیادی مهم اند:

۱. تنوع بخشی به اقتصاد ملی و کلاس دارایی های کشور که موجب کاهش ریسک و افزایش راندمان اقتصادی در سطح ملی می گردد.
۲. حفظ ثروت بلندمدت که مفهوم پایداری منابع را برای دولت ها تحقق می بخشد.
۳. پایداری اقتصادی که در زمان نیاز، نقدینگی و حمایت را به محل های نیاز و بازارهای داخلی ارائه دهد.

ثانیاً، توجه به ابعاد راهبردهای سرمایه گذاری در یک صندوق ثروت ملی مأمّن توفیق صندوق است و می تواند شامل مواردی همچون: تعیین هدف سرمایه گذاری، تحلیل ریسک، تحلیل آینده، تعادل پذیری، شفافیت و تعامل باشد. این یعنی یک صندوق ثروت ملی باید بتواند خود را در شبکه فعلی اقتصاد کشور جانی نماید و سپس سطح اثر و منفعت خود را برای عموم جامعه و خاصاً ذینفعان، چه در سطح دولت، چه سطح حاکمیت و چه بخش خصوصی، تحت نقشه پایای خود به تصویر بکشد. بر مبنای این ترسیم است که بخش قانون گذاری می تواند درک بهتری از نیازمندی های مقرراتی و قانونی صندوق داشته باشد، منهای سیاست گذاری شناخت متقن از مختصات فعلی و بهینه صندوق پیدا نماید، تفهیم جامعه صورت پذیرد و با حمایت حاکمیت، زمینه لازم برای تحقق سطح اثر و منفعت مذکور از طریق صندوق فراهم گردد.

در خصوص صندوق توسعه ملی این مهم در حال تحقق است و انتظار می رود رویکرد HOPE-I صندوق بتواند با ترسیم نقشه پایای خود، باب جدیدی از رشد و اثرگذاری راهبردی صندوق را در داخل و خارج کشور ایجاد نماید.

مروری بر مفهوم برنامه‌ریزی هسته‌ای و کارکرد آن در صندوق توسعه ملی



وحید محمودی
مشاور رئیس
هیأت عامل
نیلوفر حسین تاش
مدیر خزانه

راستا برنامه‌ریزی اقتصادی فرآیندی است که در آن هدف، حداکثر نمودن رفاه اجتماعی یا مطلوبیت افراد یک واحد اجتماعی نسبت به قیود منابع اقتصادی و تکنولوژی در دسترس است.^۱ از سوی دیگر برنامه‌ریزی توسعه، برنامه‌ای است که به دنبال ایجاد تغییر در ساختارها و نهادهای یک جامعه برای رسیدن به اهداف عالی و چندگانه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی است.^۲ در تمامی مراحل برنامه‌ریزی توسعه، قدم اول روشن بودن راه و مکانیزم رسیدن هر کشور به توسعه است.

کشورهای دنیا حسب شرایط خود از جمله سطح توسعه، آمار و اطلاعات، متخصصان، بودجه و ... از مراحل مختلف برنامه‌ریزی گذر می‌کنند. در یک نوع تقسیم‌بندی، این مراحل به

پروژه در قالب این نوع برنامه‌ریزی که در چارچوب بیانیه سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی نیز قرار دارد، معرفی می‌گردد.

مزید استحضار، این مباحث صرفاً جهت طرح موضوع بوده و مسلماً بسط گزارش فوق در چارچوب ارائه جامع مبانی نظری، روش تحقیق، مدلسازی و پیاده‌سازی آن، انتخاب پروژه‌ها و ... در صورت موافقت اعضاء محترم هیأت عامل صندوق توسعه ملی صورت خواهد گرفت.

■ تعاریف و مفاهیم

چنانچه مستحضرید یکی از تعاریف برنامه‌ریزی عبارت است از تجسم وضعیت مطلوب در آینده و یافتن راه‌ها و ابزارهای مناسب که رسیدن به آن اهداف را فراهم می‌آورد.^۳ در این

انتخاب الگوی بهینه برای تحقق اهداف غایی صندوق توسعه ملی از جمله افزایش ثروت‌های مولد و سرمایه‌گذاری‌های زاینده اقتصادی و دستیابی به عدالت بین نسلی، چالشی است که در مقابل حکمرانان این صندوق قرار دارد.

در این گزارش اجمالی برآنیم تا با معرفی یک روش برنامه‌ریزی تحت عنوان «برنامه‌ریزی هسته‌ای»،^۴ ضمن جلب نظر اعضاء محترم هیأت عامل صندوق به این روش، در راستای تخصیص بهینه منابع صندوق توسعه ملی گام محکمی برداریم. لذا در ابتدا با مروری مختصر بر تعاریف برنامه‌ریزی و انواع آن، بر روی مفهوم «برنامه‌ریزی هسته‌ای» متمرکز خواهیم شد. در ادامه با ذکر نمونه‌ها و مصادیقی برای این روش، چند

1. Core Planning
2. Koontz et al, 1986
3. New Palgrave Economic Dictionary, 2007
4. Todaro, 1991

ترتیب ذیل است:

■ **مرحله اول**، «برنامه‌ریزی متکی بر پروژه‌های منفک»^۱ است. برنامه اول و دوم عمرانی قبل از انقلاب، بر اساس این نوع برنامه‌ریزی شکل گرفته است.

■ **مرحله دوم**، «برنامه‌ریزی تلفیق‌شده سرمایه‌گذاری بخش عمومی»^۲ است. در این روش با تقویت امکانات و سیستم برنامه‌ریزی، کشورها سعی می‌کنند رابطه‌ای میان پروژه‌های مختلف برقرار کنند تا هم‌افزایی آن‌ها افزایش یابد. برنامه عمرانی دوم قبل از انقلاب تا اندازه‌ای در زمره این نوع برنامه‌ریزی نیز قرار می‌گیرد.

■ **مرحله سوم**، «برنامه‌ریزی جامع»^۳ است. کشورهای دنیا، با تقویت بیشتر امکانات برنامه‌ریزی مانند تجربه، تخصص، توان آماری و تجزیه و تحلیل آن، تجربیات جهانی و ...، به تدریج از مرحله دوم وارد این روش برنامه‌ریزی شده‌اند. در برنامه‌ریزی جامع از دید نظری امکان بررسی تعادل کل جامعه در همه بخش‌ها وجود دارد، با اینحال در عمل مشکلات آن نمایان شده است. «برنامه‌ریزی جامع» یک برنامه عمومی و کلی است که کلیه جزئیات در آن تصریح شده و تمام بخش‌ها و حوزه‌های اقتصادی در قالب یک سیستم جامع، سازمان‌یافته و ارگانیک مدنظر قرار می‌گیرد. در این روش برای همه بخش‌ها و زیر بخش‌ها در سطوح و حوزه‌های مختلف هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی شده، سپس برنامه‌ها با اهداف تدوین و سازگار شده و نهایتاً برای آن منابع مربوطه تخصیص داده می‌شود.

به‌طور معمول دولت‌ها در کشورهای درحال توسعه به این نوع برنامه‌ریزی تمایل بیشتری دارند، گرچه در اکثر کشورهای درحال توسعه، این روش با شکست مواجه شده است. تدوین چنین برنامه‌ای نیازمند اطلاعات، آمار و داده‌های گسترده است که معمولاً به دلیل ضعف‌های نهادی در این کشورها، به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. همچنین این روش هزینه‌های اجرایی سنگینی دارد و تشکیلات گسترده‌ای را به‌خصوص در مراحل اجرا و نظارت می‌طلبد. این روش نیازمند نیروی انسانی متخصص بوده و دقت برآوردها و محاسبات در آن با خطا مواجه است.

اکثر برنامه‌های توسعه پس از انقلاب در ایران با رویکرد برنامه‌ریزی جامع تدوین شده‌اند و بر این اساس تقریباً هیچ‌یک از ارقام کمی برنامه‌های مزبور اجرایی نشده است. به بیان دیگر عملکرد برنامه‌ها مطابق ارقام پیش‌بینی شده نبوده و انحرافات بسیار بالا میان این دو وجود دارد. این موضوع نه به دلیل آن است که خواست و اراده‌ای از سوی دولت بعنوان مجری برنامه‌ها وجود نداشته، بلکه به این علت است که اساساً امکانات اجرایی برنامه‌ریزی جامع وجود ندارد. در برنامه‌های اخیر توسعه، در واقع تنها سیاست‌ها و استراتژی‌هایی که جهت‌های حرکت را ارائه می‌دهند اجرا شده است.

■ **مرحله چهارم** از مراحل فرآیند برنامه‌ریزی، «برنامه‌ریزی هسته‌ای» است که متعاقب عکس‌العمل به سه مرحله برنامه‌ریزی فوق‌الذکر قبلی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

کشورهای در حال گذار که از گام‌های کوچک شروع کرده و به اقدامات بزرگ غیرقابل‌اجرا رسیده بودند، یا می‌بایست برنامه‌ریزی را رها می‌کردند و یا به برنامه‌های کوچک برمی‌گشتند، که هر دو اقدام در واقع غیرعملی محسوب می‌شد. بنابراین، به تدریج به برنامه‌ای روی آوردند که از لحاظ اهداف استراتژی جامع بوده، اما از لحاظ برنامه‌ها محدود به قسمت یا بخش یا تنگناهای اصلی محسوب می‌شوند. به بیان دیگر در برنامه‌ریزی هسته‌ای روی اهداف جامع به عنوان راهنما کار می‌شود نه اصل و اساس برنامه.

«برنامه‌ریزی هسته‌ای» مبتنی بر دو رکن هسته‌های کلیدی خط‌دهنده توسعه و برنامه‌های^۴ اجرایی است. این نوع برنامه مجموعه‌ای متشکل از هدف، پروژه‌های مشخص، سازمان‌دهی و تشکیلات اجرایی برای ایجاد یک قطب توسعه و یا حذف یک مانع توسعه است. در این روش هیچ برنامه توسعه‌ای بدون وجود پروژه‌های مشخص قابلیت اجرایی لازم را ندارد^۵. در واقع حرکت هسته کلیدی از طریق پیوندهای پیشین و پسین بر سایر ترتیبات اقتصادی و اجتماعی تأثیر گذاشته و جامعه هدف به سمت توسعه پیش می‌رود. این نوع برنامه با گره‌گشایی در تنگناهای محوری و اصلی موجب خواهد شد سایر بخش‌ها و حوزه‌ها نیز به حرکت درآیند.

در این نوع برنامه‌ریزی مشخصاً پیشنهاد می‌شود که n واحد پول در دسترس در بخش‌هایی که پتانسیلی برای تغییرات اقتصادی و امکان خلق ارزش دارد، سرمایه‌گذاری شود. به

1. Project by Project Planning
2. Integrated Public Investment
3. Comprehensive Planning
4. program

بیان دیگر به جای هزینه/سرمایه‌گذاری منابع مالی در اختیار در طیفی گسترده، آن بودجه محدود به شکل هسته‌ای هزینه/سرمایه‌گذاری خواهد شد. با توجه به چالش‌های متعدد رویکرد برنامه‌ریزی جامع در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب، ظرفیت استفاده از رویکرد برنامه‌ریزی هسته‌ای در برنامه‌های توسعه پیش‌رو، این امکان را ایجاد می‌نماید که با لحاظ بودجه‌های عمرانی و جاری در جای خود، ۲۰ الی ۳۰ درصد بودجه توسعه‌ای با استفاده از هسته‌های کلیدی خط‌دهنده توسعه و برنامه‌های اجرایی (به عنوان مثال در زیرساخت‌ها) تخصیص یابد. ویژگی هسته‌های کلیدی خط‌دهنده در ظرفیت بالای آن به منظور تأثیرگذاری بر سایر بخش‌های اقتصادی نهفته است. در واقع سرریز حاصل از فعالیت هسته‌های کلیدی موجب به حرکت درآوردن سایر حوزه‌ها و بخش‌های اقتصادی و تسریع در روند حرکت آن‌ها می‌شود، به صورتی که هسته‌های کلیدی در هر حوزه می‌تواند به‌عنوان موتور رشد و توسعه آن قسمت قلمداد گردد. مهم‌ترین بحث در انتخاب هسته‌های کلیدی خط‌دهنده، تطبیق با اهداف برنامه‌ریزی جامعه هدف و نقش و میزان تأثیرگذاری شاخصه‌های اقتصادی در آن است، چراکه این هسته‌ها به‌عنوان کاتالیزور در سایر قسمت‌ها عمل می‌کند. بدین ترتیب به جای تخصیص پراکنده بودجه در برنامه‌های توسعه از طریق رویکردهای مراحل اول تا سوم فوق‌الذکر، با تمرکز بر ویژگی‌ها و پتانسیل روش برنامه‌ریزی هسته‌ای، می‌توان به بازیابی حلقه‌های مفقوده فرآیند توسعه ملی پرداخت.

در برنامه‌ریزی هسته‌ای رعایت چندین اصل ضروری است. برخی از این اصول عبارتند از: پایداری حرکت توسعه،

استفاده از پتانسیل‌ها و فرصت‌های انواع روش‌های برنامه‌ریزی (از منظر دید کلان، استفاده از برنامه‌ریزی جامع؛ از منظر اجرا، استفاده از برنامه‌ریزی هسته‌ای)، ضرورت استفاده واقعی و مؤثر از اندیشمندان و متخصصان در تهیه برنامه‌های توسعه متکی بر هسته‌های کلیدی خط‌دهنده، ضرورت وجود برنامه‌های اجرایی در یک برنامه توسعه‌ای مشخص، ضرورت وجود برنامه‌ریزی تفصیلی در برنامه‌های اجرایی، ضرورت وجود تشکیلات متناسب مدیریت امور توسعه، ضرورت ایجاد مصونیت جزئیات توسعه از نوسانات ناگهانی اقتصادی-اجتماعی کشور، ضرورت در اختیار داشتن تصاویر کلان منطقه‌ای و کشوری به‌منظور اتخاذ خط‌مشی‌های استراتژی و تأکید بر نقش اساسی دبیرخانه‌ای متولی برنامه‌ریزی توسعه. ذکر این نکته نیز ضروری است که در برنامه‌ریزی هسته‌ای می‌بایست از رویکرد فازی استفاده نمود و رویکرد صفر و یک، همانند برنامه‌ریزی جامع یا برنامه‌ریزی بخشی، را کنار گذاشت. در زمینه برنامه‌ریزی هسته‌ای می‌توان به تجربه کشورهایمانند هند و مالزی اشاره نمود که در برنامه‌ریزی خود متکی به هسته‌های کلیدی خط‌دهنده در جهت رشد و توسعه کشورهایشان شده‌اند. انتخاب سرمایه‌گذاری بر روی فناوری اطلاعات در این کشورها به دلیل داشتن ویژگی هسته‌های کلیدی خط‌دهنده است که در واقع تأثیر مضاعفی بر سایر بخش‌ها گذاشته و در رشد و توسعه اقتصاد ملی این کشورها نقش به‌سزائی داشته است.

همچنین انتخاب صنایع و بخش‌های صادرات محور در کشورهای خاور دور به صورتی بوده که این قسمت‌ها، نقش هسته‌های کلیدی خط‌دهنده را

در اقتصاد ملی، بخشی و منطقه‌ای این کشورها داشته است.

از دیگر کشورهای استفاده‌کننده از برنامه‌ریزی هسته‌ای، می‌توان به عربستان اشاره نمود. گسترش روز افزون سرمایه‌گذاری‌های این کشور، از جمله پروژه ابر شهری آینده‌نگرانه «نئوم»^۱ که مقامات سعودی آنرا به عنوان «جاه‌طلبانه‌ترین پروژه جهان» معرفی می‌کنند، از نمونه‌های برنامه‌ریزی هسته‌ای است.

موارد فوق‌الذکر به‌عنوان هسته‌های کلیدی خط‌دهنده در سطح ملی برای این کشورها بوده است، این در حالی است که در هر یک از بخش‌ها و زیر بخش‌ها، مناطق مختلف کشور و حتی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی نیز می‌تواند به تعریف هسته‌های کلیدی خط‌دهنده پرداخت.

حوزه‌هایی از قبیل «آب»، «انرژی-منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در عسلویه»، «انرژی هسته‌ای»، «کشاورزی-مجموعه‌های کشت و صنعت در سنوات گذشته»، «سلامت-پژوهش‌شکده رویان» و ... از نمونه هسته‌های کلیدی در ایران محسوب می‌شوند.

■ برنامه‌ریزی هسته‌ای در صندوق توسعه ملی

با توجه به مأموریت صندوق توسعه ملی در بکارگیری منابع و تبدیل آنها به ثروت ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و حفظ سهم نسل‌های آینده از آن، تشکیل پرتفوی بهینه مصارف صندوق از طریق حداکثرسازی تابع هدف (خلق ثروت در بازه زمانی میان/بلندمدت، بین نسلی) ضرورتی اساسی است.

در این راستا تخصیص بهینه منابع و حداکثرسازی ثروت از طریق

اقتصادی (راه، برق، آب و ...)، فناوری اطلاعات و سیستماتیک کردن داده‌ها و ...

در این خصوص و در یک افق ۵ ساله (برنامه هفتم توسعه)، برای مثال، پروژه‌های ذیل قابل تعریف است:

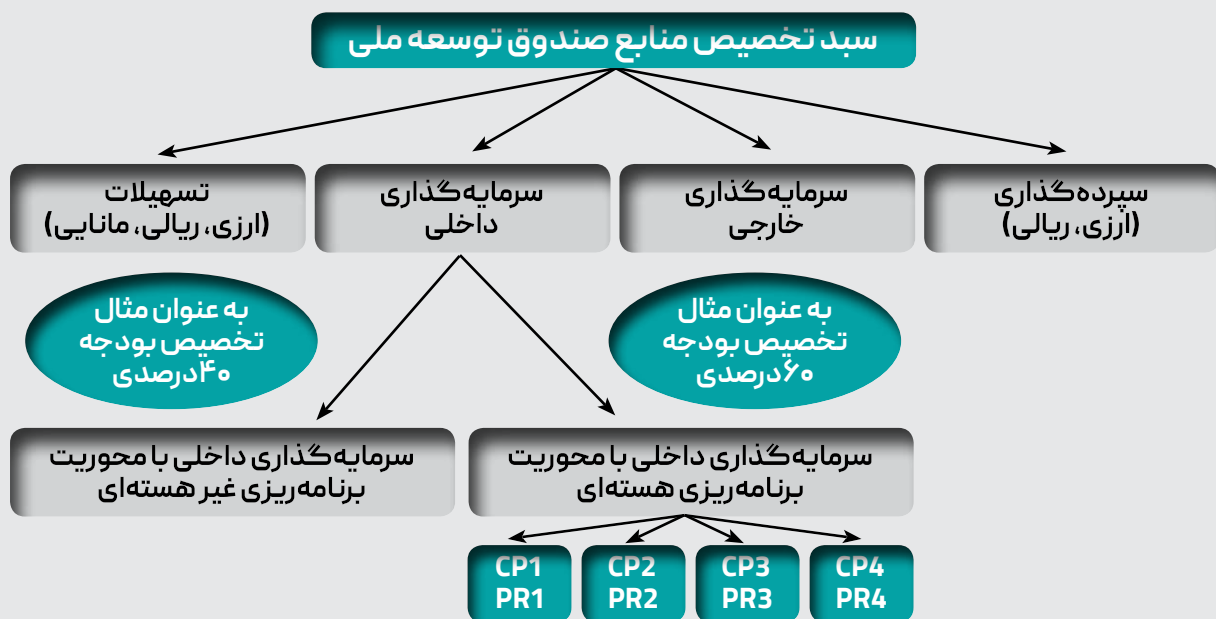
۱. مسیر مواصلاتی میان قطر و ایران از طریق تونل زیردریایی (جاده‌ای-ریلی و خطوط انتقال نفت، گاز و برق) و جاده ترانزیت تا شهر شیراز
۲. پارک‌های شیمیایی (تکمیل زنجیره محصولات پایه پتروشیمی، توسعه پایین دست با تبدیل متانول به اتانول، اولوفین و پروپیلن) با توجه به تولید حدود ۱۵ میلیون تن سالیانه متانول در کشور که با تبدیل به صنایع پایین دستی موجب ارزش افزوده حدود ۵ برابری، افزایش درآمد صادراتی و اشتغال مولد در کشور خواهد شد.
۳. تعریف یک کورپلن در حوزه هوش مصنوعی
۴. تعریف یک یا دو کورپلن در حوزه بالادستی نفت (سرمايه گذاري در ميادين نفت و گاز)
۵. تعریف یک کورپلن در حوزه معدن

صندوق توسعه ملی، موارد ذیل می‌تواند به عنوان هسته‌های کلیدی خط دهنده در صندوق متصور باشند:

۱. زاینده‌گی منابع
 ۲. اهرمی نمودن منابع
 ۳. انتقال تکنولوژی
 ۴. نیروی محرکه توسعه
- ۱- زاینده‌گی منابع از طریق ورود صندوق به سه مورد ذیل قابل طرح است:
- ۱٫۱. بالادست نفت و گاز
 - ۲٫۱. پایین دست نفت و گاز با دیدگاه تأمین خوراک و یا مباحث اقتصاد سبز
 - ۳٫۱. معادن
- ۲- اهرمی کردن منابع از طریق کوفاینانس میان منابع بین‌المللی/ صندوق‌های ثروت سایر کشورها و منابع صندوق توسعه ملی قابل بحث است.
- ۳- انتقال تکنولوژی با استفاده از مباحث لبه تکنولوژی از طریق ورود صندوق به موضوعات میکروالکترونیک، بایو تکنولوژی، نیومتریال، اپتیک و ...
- ۴- نیروی محرکه توسعه از طریق ورود صندوق به احیاء فرصت‌های ترانزیتی شامل توسعه بنادر، زیرساخت‌های

سرمايه‌گذاري، واسطه‌گري مالي، تسهيلات دهی و سپرده‌گذاري و ... از الزاماتی است که منجر به تبدیل حداکثری منابع صندوق به سرمايه‌های مالی، دانشی، حقوق مالکانه (رویالیتی) و دستیابی به پرتفوی بهینه شامل سرمايه و عایدی سرمايه در کنار هم خواهد شد. صندوق توسعه ملی بعنوان یک نهاد استراتژیک مالی، به دنبال حداکثرسازی ثروت در زمان حال و آینده (بین نسلی) است. در این راستا می‌بایست محدودیت‌های موجود شناسایی شده و ریسک و بازده در کنار هم دیده شود.

استفاده از برنامه‌ریزی هسته‌ای در این میان می‌تواند موجب برجسته شدن نقش توسعه‌ای صندوق توسعه ملی و نیز حداکثرسازی ثروت از طریق تمرکز بر هسته‌های کلیدی خط دهنده منطبق با اهداف صندوق و پروژه‌های سودآور گردد. نحوه تخصیص منابع صندوق توسعه ملی و ارتباط آن با برنامه‌ریزی هسته‌ای را می‌توان به شرح ذیل توضیح داد: با توجه به ماهیت برنامه‌ریزی هسته‌ای و نیز اهداف مندرج در اساسنامه



سرمایه‌گذاری فعال و غیر فعال



نگین حیدری زاده
مدیر همکاری‌های
بین‌الملل



۱) سرمایه‌گذاری فعال و غیر فعال

با توجه به وجود دو رویکرد و استراتژی متفاوت سرمایه‌گذاری فعال^۱ و غیر فعال^۲، که صندوق‌های ثروت ملی آن را اتخاذ می‌کنند، این مقاله سعی در مورد تعریف این دو نوع سرمایه‌گذاری و همچنین خصوصیات صندوق‌های ثروت ملی (سرمایه‌گذارانی) که از این دو رویکرد استفاده می‌نمایند، همچنین مزایا و معایب این رویکردها را ارائه دهد.

۱-۱) سرمایه‌گذاری فعال

استراتژی سرمایه‌گذاری‌ای که در آن سرمایه‌گذار به طور مداوم در حال خرید و فروش می‌باشد، سرمایه‌گذاری فعال نامیده می‌شود. در این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار با هدف کسب بازدهی بیش از شاخص بازار، به سرمایه‌گذاری‌های خاصی می‌پردازد. سرمایه‌گذاران فعال دارای ریسک‌پذیری زیادی می‌باشند. آنان به سرمایه‌گذاری از طریق خرید پرداخته و به طور مداوم بر فعالیت

سرمایه‌گذاری‌های خود به منظور بهره بردن از شرایط سودآور، نظارت می‌نمایند. سرمایه‌گذاران فعال دایماً با بازار درگیرند و تغییرات و حرکات قیمت پورتهوی خود را مشاهده کرده و به دنبال بازدهی کوتاه مدت هستند. سرمایه‌گذاری فعال به علت پویایی بازار و لزوم تحلیل مداوم آن و اقدام سریع، توسط خبرگان و متخصصان این حرفه صورت گرفته و این افراد هزینه قابل توجهی را بابت حق الزحمه خود از سرمایه‌گذار دریافت می‌نمایند.

1. - Active investment
2. - Passive investment



در مدت زمانی مشخص افزایش می‌یابد. سرمایه‌گذار فعال برای دستیابی به هدف کسب بازدهی بیش از شاخص بازار باید دو مورد زیر را در نظر داشته باشد:

۱- **انتخاب درست اوراق بهادار:** این واژه اصطلاحی برای خرید اوراق بهادار صحیح و پرهیز از اوراق بهادار غلط می‌باشد. یعنی توان پیش‌بینی روند آتی اوراق بهادار برای خرید و یا عدم خرید آنها.

۲- **داشتن زمانبندی صحیح:** یعنی توان درک حرکت بازار. به این معنا که فرد در سرمایه‌گذاری فعال باید حرکات بازار و مهمتر از آن، زمان این حرکات را پیش‌بینی نموده و با استفاده از آن برای خرید و یا فروش اوراق بهادار اقدام نماید.

۱-۱) **مزایا و ریسک‌های سرمایه‌گذاری فعال**
جدول زیر

وضعیت مالی شرکت‌ها و رقبای آنها، آخرین اطلاعات منتشره توسط شرکت‌ها را بررسی نموده و در تلاشند تا وضعیت آتی آنان را پیش‌بینی نمایند. روندهای متداول بازار، اقتصاد، حوادث جاری و سیاسی و خصوصیات خاص شرکت نیز بر تصمیمات سرمایه‌گذاران فعال اثرگذار می‌باشد. مدیران سرمایه‌گذاری فعال از سبک‌های متفاوت سرمایه‌گذاری استفاده می‌نمایند:

۱- **مدیران ارزش محور:** این مدیران به دنبال خرید شرکت‌هایی هستند که در آن زمان سهام آنها با ارزشی کمتر از ارزش خالص دارایی آنها به فروش می‌رسد و یا پتانسیل آینده سهام آنها، دست کم گرفته شده است.

۲- **مدیران رشد محور:** این مدیران به دنبال خرید شرکت‌هایی هستند که از پتانسیل استثنایی برای رشد برخوردار بوده و بر این اساس قیمت سهام آنها

سرمایه‌گذاران فعال معتقدند که بازارها ناکارا بوده و در هر زمان تعدادی اوراق بهادار وجود دارد که به طور اشتباه قیمت‌گذاری شده‌اند. آنها با استفاده از دانش و مهارت خود در تحلیل بازار، سهامی را که معتقدند در حال حاضر به قیمتی کمتر از ارزش واقعی خود به فروش می‌رسد و دارای پتانسیل افزایش قیمت می‌باشد، خریداری می‌نمایند. این فرایند را برگزیدن سهام^۱ می‌گویند. همچنین این سرمایه‌گذاران پورترفوی خود را به گونه‌ای تنظیم می‌نمایند که احتمال بروز ضرر و زیان را به حداقل رسانند و در این راستا از سهام، بخش‌ها، اوراق قرضه، صنعت‌ها و کشورهایی که معتقدند در دوره‌ای مشخص عملکرد خوبی نخواهند داشت، دوری می‌کنند. سرمایه‌گذاران فعال خبیره و متخصص، زمان و منابع زیادی را برای پیدا نمودن اینگونه اوراق صرف می‌نمایند. آنها

ریسک‌ها	مزایا
<p>هزینه‌ها: بررسی حرفه‌ای بازار بسیار هزینه‌بر است. این بدان معناست که مدیران سرمایه‌گذاری فعال اغلب حق‌الزحمه زیادی دریافت می‌نمایند. همچنین ممکن است به علت خرید و فروش مکرر هزینه‌های عملیاتی زیادی نیز مانند هزینه‌های معاملاتی و مالیات، در بر داشته باشند.</p>	<p>فرصتی برای عملکرد بهتر: سرمایه‌گذاران فعال به دنبال کسب بازدهی بیش از بازده شاخص بازار بوده و کسب بازدهی بیش از میانگین را در عملکرد خود نشان می‌دهند.</p>
<p>موارد مرتبط با سبک: ممکن است سبک سرمایه‌گذاری مدیر، زمانی که رویکرد او با تمایلات بازار همسو نباشد، موجب محدودیت عملکرد او شده و بازدهی را کاهش دهد. (سبک ارزش محور و سبک رشد محور)</p>	<p>داشتن دید تحقیقی: سرمایه‌گذاران فعال برای شناسایی شرکت‌های قابل سرمایه‌گذاری تحقیقات گسترده‌ای انجام داده و این تحقیقات موجب بروز پتانسیلی برای عملکردی بهتر از شاخص می‌گردد.</p>
<p>عدم وجود تضمینی برای موفقیت: با اینکه انتخاب یک سهم موفق نوید موفقیت در عملکرد را می‌دهد، اما هیچ تضمینی برای آن وجود ندارد. موفقیت مداوم و سال به سال آسان نیست.</p>	<p>اقدامات تدافعی، مصون‌سازی و مدیریت ریسک: سرمایه‌گذاران فعال با پرهیز از مناطق، بخش‌ها و اوراق بهادار پرخطر و اقدام به فروش اوراق بهادار در آستانه کاهش قیمت، امکان ضرر خود را به حداقل رسانده و ریسک خود را مدیریت می‌نمایند.</p>

1. - Stock-picking
2. - Value Managers
3. - Growth Managers
4. - Security selection
5. - Market timing



۲-۱) سرمایه‌گذاری غیر فعال

طی ده‌های گذشته میلیون‌ها سرمایه‌گذاری که به‌جای کسب بازدهی بیش از بازده شاخص بازار، به کسب بازدهی معادل آن رضایت داشتند، سرمایه‌گذاری غیرفعال را به عنوان استراتژی سرمایه‌گذاری خود برگزیدند. عموماً این گروه از سرمایه‌گذاران دارایی اندکی داشته و تمایلی به پذیرش ریسک زیاد نداشتند. سرمایه‌گذاران غیر فعال به کسانی گفته می‌شود که از استراتژی سرمایه‌گذاری عدم خرید و فروش مداوم پیروی کرده و با هدف کسب بازدهی در بلند مدت به انجام سرمایه‌گذاری اقدام می‌نمایند. به این نوع سرمایه‌گذاری، استراتژی خرید و نگهداری^۱ نیز گفته می‌شود. سرمایه‌گذاری غیر فعال نیازمند تحقیقات سرمایه‌گذاری اولیه دقیق و صبر زیاد می‌باشد. به طور عامیانه به سرمایه‌گذاری غیرفعال، شاخص‌گرایی^۲ گفته می‌شود. شاخص‌گرایی یک رویکرد سرمایه‌گذاری است که در آن

سهام و اوراق قرضه دقیقاً مطابق یک شاخص و به همان نسبت موجود در شاخص خریداری می‌گردد. این نوع سرمایه‌گذاری، غیرفعال در نظر گرفته می‌شود چراکه در آن سرمایه‌گذار و یا مدیر سرمایه‌گذاری درباره خرید و فروش اوراق بهادار و یا اندازه آنها تصمیمی نگرفته و به تقلید از شاخص و مطابق آن سرمایه‌گذاری می‌نماید.

سرمایه‌گذاران غیرفعال معتقدند که بازار به اندازه کافی کارا بوده و ارزش واقعی قیمت سهام و اوراق قرضه در درازمدت نشان داده می‌شود. به این ترتیب، آنها در پی داشتن عملکردی بهتر از بازار نبوده و در واقع درصد داشتن عملکردی مطابق آن می‌باشند. سرمایه‌گذاران غیرفعال این کار را با تعقیب یک شاخص و تبعیت از آن و خرید و نگهداری همه^۳ و یا نمونه کوچکی^۴ از اوراق بهادار موجود در آن شاخص انجام می‌دهند. به این علت گاهی صندوق‌هایی را به سرمایه‌گذاری

غیرفعال می‌پردازند، صندوق‌های شاخص^۵ و یا صندوق‌های پیرو^۶ می‌نامند. مزیت این روش در توزیع ریسک سرمایه‌گذاری در بازار می‌باشد. اگرچه این رویکرد، به دلیل تبعیت از بازار، قادر به حمایت از خود در برابر کاهش ارزش گسترده کلی بازار و به تبع آن ضرر و زیان قابل توجه نمی‌باشد، ولی از ضرر و زیان ناشی از کاهش ارزش چشمگیر در هر یک از بخش‌های صنعت و یا یک شرکت جلوگیری می‌نماید.

سرمایه‌گذاران غیرفعال، بر سودآوری سرمایه‌گذاری‌هایشان در بلند مدت باور داشته و دارای یک هدف ساده می‌باشد: مطابقت با یک شاخص خاص. هزینه‌های مدیریتی این نوع سرمایه‌گذاری نیز اندک است. چرا که در این روش نیازی به تحقیق در مورد شرکت‌ها یا اوراق قرضه نبوده و هزینه‌های معاملاتی نیز به دلیل عدم خرید و فروش مداوم اوراق بهادار کاهش می‌یابند.

1. - Buy and Hold
2. - Indexing
3. - Replication
4. - Sampling
5. - Index Funds
6. - Tracker Funds



۱-۲-۱ مزایا و ریسک‌های سرمایه‌گذاری غیرفعال

ریسک‌ها	مزایا
<p>ریسک کلی بازار: سرمایه‌گذاران غیرفعال از کل بازار تبعیت می‌نمایند. بنابراین زمانی که ارزش همه بازار سهام و یا اوراق قرضه کاهش می‌یابد بر پورترفوی سرمایه‌گذاران غیرفعال نیز اثر خواهد گذارد.</p>	<p>تنوع: داشتن پورترفویی که از تنوع خوبی برخوردار است، بخش مهمی از یک برنامه سرمایه‌گذاری موفق است. شاخص‌گرایی می‌تواند راه ایده‌آلی برای دستیابی به تنوع پورترفو باشد. صندوق‌های شاخص دارای توزیع ریسک گسترده هستند چراکه در تمامی اوراق بهادار موجود در شاخص‌های هدف خود سرمایه‌گذاری می‌نمایند.</p>
<p>عدم انعطاف‌پذیری: سرمایه‌گذاران غیرفعال معمولاً حتی در زمانی که می‌دانند ارزش سهام کاهش می‌یابد، قادر به استفاده از ابزارهای دفاعی مانند خروج از سهام نمی‌باشند.</p>	<p>هزینه کم: از آنجا که سرمایه‌گذاران غیرفعال از شاخص خاصی تبعیت می‌نمایند، دارای هزینه‌های تحقیق و تحلیل نمی‌باشند. همچنین این سرمایه‌گذاران به دلیل عدم خرید و فروش مداوم، دارای هزینه‌های عملیاتی کمتری نیز می‌باشند.</p>
<p>محدودیت در عملکرد: سرمایه‌گذاران غیرفعال برای کسب بازدهی نزدیک به بازده شاخص خود و نه برای کسب بازدهی بیش از آن، تلاش می‌نمایند. آنها به علت هزینه‌های عملیاتی خود، به ندرت بازدهی بیشتر از شاخص داشته و به بازدهی کمی کمتر از آن رضایت می‌دهند.</p>	<p>سادگی: سرمایه‌گذاران غیرفعال با تبعیت از شاخص مورد نظر خود، راه ساده‌ای را برای سرمایه‌گذاری انتخاب کرده و نیازی به بررسی مداوم بازار، انتخاب و خرید و فروش اوراق بهادار ندارند.</p>

۲ نکات اصلی سرمایه‌گذاری فعال و غیر فعال

سرمایه‌گذاری غیرفعال	سرمایه‌گذاری فعال	
تبعیت از شاخصی خاص	تلاش برای کسب بازدهی بیش از بازده بازار	اساس سرمایه‌گذاری
- خرید همه اوراق بهادار موجود در شاخص - خرید نمونه کوچکی از اوراق بهادار موجود در شاخص	برگزیدن سهام	روش‌ها
- تنوع - هزینه کم	- تحقیقات گستره و دقیق - پتانسیل کسب بازدهی بیشتر	مزایای اصلی
- ریسک کلی بازار - محدودیت عملکرد	- هزینه زیاد - نوسانات زیاد	ریسک‌های اصلی

تأثیر صندوق توسعه ملی بر شاخص‌های کلان اقتصادی

بهار نورزاد
کارشناس معاونت
مطالعات و برنامه‌ریزی

تأثیر صندوق توسعه ملی بر شاخص‌های کلان اقتصادی

در وجود صندوق توسعه ملی، نرخ ارز بازار موازی به نسبت، کمتر از حالت عدم وجود صندوق افزایش می‌یابد.	سطح عمومی قیمت‌ها کمتر افزایش می‌یابد.
در وجود صندوق توسعه ملی، واردات به نسبت کمتر کاهش می‌یابد.	سطح تولید و اشتغال کمتر کاهش می‌یابد.
هنگام بروز تکانه‌های نفتی، استفاده از ضریب شناور نسبت به ضریب ثابت جهت تخصیص منابع درآمدهای نفتی به صندوق، باعث ایجاد نوسانات بیشتر در متغیرهای تولید و اشتغال بخش دولتی می‌شود.	
حضور صندوق در مقایسه با نبود آن در اقتصاد کشور سبب شده تا در دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۶ به طور متوسط نرخ رشد اقتصاد ۲/۲ واحد درصد افزایش، نرخ تورم ۵/۱ واحد درصد کاهش و نرخ بیکاری ۷۲ واحد درصد کاهش داشته باشد.	اگر سهم صندوق از درآمدهای نفتی به دلیل کاهش آن از سال ۱۳۹۴ تقلیل نمی‌یافت، شرایط بهتری بر اقتصاد حاکم می‌بود.
چنانچه دولت هنگام وقوع شوک‌های نفتی درآمدهای ناشی از آن را در یک صندوق نفتی ذخیره کند و در هر دوره تنها بخشی از بازدهی صندوق را مجدداً سرمایه‌گذاری کند، متغیرهای اقتصادی وضعیت باثبات‌تری را تجربه می‌کنند.	
در مورد تکانه نفتی، قاعده مالی ضداداری مبتنی بر درآمدهای نفتی، شدت نوسانات متغیرهای کلان اقتصادی را در مقایسه با عدم وجود قاعده مالی، کاهش داده است.	
در دوره‌های رونق نفتی از گسترش هزینه‌های جاری دولت بشدت اجتناب شود و با انباشت مناسبی از درآمدهای نفتی در صندوق توسعه ملی و حساب ذخیره ارزی، آماده مقابله با شوک‌های منفی دائمی شود.	
افق زمان طولانی‌تر به برنامه‌ریز اجتماعی اجازه می‌دهد سرمایه‌گذاری بیشتری را برای بازیابی اقتصادی در برابر ضربات شوک منفی درآمدی فراهم کند و لذا نرخ بهینه سرمایه‌گذاری در افق زمانی طولانی‌تر افزایش می‌یابد.	
ایجاد صندوق در کوتاه‌مدت، به بهبود وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی کمک نمی‌کند و آثار مثبت چنین سیاستی در بلندمدت ظاهر می‌شود.	علت این مسئله زمانبر بودن اثرپذیری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از تسهیلات اعطایی صندوق توسعه ملی و به تبع آن افزایش تولید بخش غیرنفتی در اقتصاد است.
در کوتاه‌مدت این امکان وجود دارد که با طراحی سیاست‌های ارزی یا بودجه‌ای بتوان از افت اولیه سطح فعالیت‌های اقتصادی بر اثر وضعیت صندوق کاسته و بر بهبود عملکرد صندوق افزود.	
چنانچه در سازوکار صندوق، سهم صندوق از درآمدهای نفتی شناور (اتخاذ سیاست ضدسیکلی در تخصیص درآمدهای نفتی به صندوق) باشد، به کاهش پیامدهای منفی شوک‌ها در کوتاه‌مدت کمک خواهد کرد.	چرا که کمترین فشار اولیه تورمی، نوسانات در نرخ ارز و خالص بدهی بخش دولتی تحت این سناریو رخ می‌دهد.
ایجاد یک صندوق ثروت ملی از مازاد مالی حاکمیت، حساسیت نکول و/یا وضعیت تنگدستی و/یا تغییر ساختار تعهدات بدهی حاکمیت به شوک‌های نامساعد (داخلی و خارجی) وارده به اقتصاد را کاهش خواهد داد.	تا زمانی که ارزش افزوده تعدیل شده با ریسک نهایی حاصل از صندوق مثبت باشد.
ایجاد یک صندوق ثروت ملی از طریق انتشار اوراق بدهی حاکمیت، حساسیت نکول و/یا وضعیت تنگدستی و/یا تغییر ساختار تعهدات بدهی حاکمیت به شوک‌های نامساعد (داخلی و خارجی) وارده به اقتصاد را کاهش خواهد داد.	تا زمانی که اثرات نهایی اهرمی تعدیل شده با ریسک حاصل از صندوق مثبت باشد. هر چه فاصله تا مرز نکول و/یا تنگدستی حاکمیت بیشتر باشد، هزینه‌های تامین مالی ایجاد صندوق کم‌تر خواهد بود.
تا جایی که صندوق، فاصله تا نکول حاکمیت را افزایش می‌دهد، موجب کاهش در مبادله نکول اعتباری (CDS) حاکمیت می‌شود.	
تا جایی که صندوق، فاصله تا نکول حاکمیت را افزایش می‌دهد، «ریسک/ هزینه تمدید بدهی» برای حاکمیت پایین‌تر خواهد بود.	
وضعیت سیاست‌های پولی و مالی نقش مهمی در شکل‌دهی منافع و هزینه‌های نهایی صندوق در خصوص ریسک نکول حاکمیت در زمان ایجاد و در طول عمر صندوق ایفا می‌کند.	
تا زمانی که صندوق، فاصله تا نکول حاکمیت را افزایش دهد، انگیزه‌های فرصت‌جویانه و ناسازگار با زمان تصور شده/ انتظاری آزاد اقتصادی (داخلی و خارجی) در رابطه با حاکمیت کاهش خواهد یافت.	
ایجاد صندوق یک کانال (مقابل) جدید برای انتقال سیاست‌های پولی و مالی پدید می‌آورد.	
حساسیت تأثیر نهایی (کارایی) سیاست‌های پولی و مالی با وجود صندوق متفاوت از عدم وجود آن است.	بهبود در برچهندهی مالی حاکمیت حاصل از صندوق در مقابل شوک‌های نامساعد (داخلی و/یا خارجی) که به اقتصاد وارد می‌شوند، متضمن بهبود در تخصیص منابع خواهد بود
	تا زمانی که هزینه فرصت نهایی بناسازی صندوق کم‌تر از منافع نهایی ایجاد آن باشد



منبع	نتیجه	مساله
نوروزی و همکاران (۱۴۰۱)	وجود صندوق توسعه ملی در اقتصاد کشور سبب می‌شود تا اثر هر دو سیاست پولی و ارزی در راستای اهداف مورد نظر، به مراتب مناسب‌تر باشد یعنی نرخ ارز بازار موازی ارز به نسبت کمتر از حالت عدم وجود صندوق افزایش می‌یابد و در نتیجه سطح عمومی قیمت‌ها کمتر افزایش می‌یابد اما از سوی دیگر واردات به نسبت کمتر کاهش یافته و در نتیجه سبب شده است تا سطح تولید و اشتغال کمتر کاهش داشته باشد.	به منظور اجرای سیاست پولی، چنین فرض شده است که نرخ سپرده قانونی از سال ۱۳۹۰ از حدود ۱۰٪ به ۱۵٪ افزایش یافته و برای سال‌های بعد در همین میزان ثابت باقی بماند. در راستای اجرای یک سیاست ارزی، نرخ برابری رسمی ریال در برابر دلار آمریکا که در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۰۰۰۰ ریال بوده است با افزایش ۲۲ درصدی در هر سال به ۴۲۰۰۰ ریال در سال ۱۳۹۶ رسیده است. سپس اثر سیاست‌های پولی و ارزی در دو حالت وجود صندوق توسعه ملی و عدم وجود آن توسط الگو تا انتهای دوره مورد بررسی شبیه سازی شده است.
قدیرزاده و همکاران (۱۴۰۰)	اعمال تکانه در درآمدهای نفتی در هر سه سناریو سبب افزایش میزان تولید و اشتغال بخش دولتی و کاهش اشتغال بخش خصوصی شده است. نتایج بیانگر آن است که هنگام بروز تکانه‌های نفتی، استفاده از ضریب شناور نسبت به ضریب ثابت جهت تخصیص منابع درآمدهای نفتی به صندوق، باعث ایجاد نوسانات بیشتر در متغیرهای تولید و اشتغال بخش دولتی می‌گردد.	در این پژوهش بر اساس مدل تعادل عمومی تصادفی پویا برای بررسی تاثیر سهم درآمدهای نفتی در صندوق توسعه ملی، بر متغیرهای تولید و اشتغال، سه سناریو تدوین گردیده است. در سناریوهای اول و دوم طبق برنامه پنجم و ششم توسعه، سهم صندوق به ترتیب معادل ۲۰ و ۳۰ درصد و همچنین در سناریو سوم نیز سهم صندوق به صورت شناور در مدلسازی وارد گردید.
نوروزی و همکاران (۱۳۹۹)	نتایج حاکی از آن است که حضور صندوق در مقایسه با نبود آن در اقتصاد کشور سبب شده تا در دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۶ به طور متوسط نرخ رشد اقتصاد ۲/۲ واحد درصد افزایش، نرخ تورم ۱/۵ واحد درصد کاهش و نرخ بیکاری ۲/۱ واحد درصد کاهش داشته باشد. در عین حال اگر سهم صندوق از درآمدهای نفتی به دلیل کاهش آن از سال ۱۳۹۴ تقلیل نمی‌یافت، شرایط بهتری بر اقتصاد حاکم می‌بود.	اثر وجودی صندوق توسعه ملی بر سطح کلان اقتصاد به ویژه در ایجاد رشد اقتصادی و مهار تورم مورد بررسی قرار گرفته است.

<p>توکلی قوچانی و همکاران (۱۳۹۹)</p>	<p>چنانچه دولت هنگام وقوع شوک‌های نفتی درآمدهای ناشی از آن را در یک صندوق نفتی ذخیره کند و در هر دوره تنها بخشی از بازدهی صندوق را مجدداً سرمایه‌گذاری کند، متغیرهای اقتصادی وضعیت باثبات‌تری را تجربه می‌کنند.</p>	<p>تأثیر شوک‌های درآمد نفتی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران با وجود صندوق توسعه ملی مورد بررسی قرار گرفته است.</p>
<p>کشاورز و دیگران (۱۳۹۸)</p>	<p>در مورد تکانه نفتی، قاعده مالی ضدادواری مبتنی بر درآمدهای نفتی، شدت نوسانات متغیرهای کلان اقتصادی را در مقایسه با عدم وجود قاعده مالی، کاهش داده است. همچنین درمورد تکانه پولی، تفاوت محسوسی در اثرگذاری اجرای قاعده مالی نسبت به عدم اعمال آن مشاهده نشده است.</p>	<p>پژوهش حاضر با استفاده از مدل تعادل پویای تصادفی که شامل خانوارها با افق برنامه‌ریزی نامحدود، بنگاه تولیدکننده کالای نهایی، بنگاه‌های تولیدکننده کالای واسطه‌ای دولت-مقام پولی، بخش نفت و صندوق توسعه ملی می‌باشد، به سناریوسازی در دو حالت اعمال قاعده مالی ضدادواری و عدم اجرای آن پرداخته است.</p>
<p>باستانی و همکاران (۱۳۹۷)</p>	<p>در دوره‌های رونق نفتی از گسترش هزینه‌های جاری دولت بشدت اجتناب شود و با انباشت مناسبی از درآمدهای نفتی در صندوق توسعه ملی و حساب ذخیره ارزی آماده مقابله با شوک‌های منفی دائمی شود. همچنین یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد افق زمان طولانی‌تر به برنامه‌ریز اجتماعی اجازه می‌دهد سرمایه‌گذاری بیشتری را برای بازیابی اقتصادی در برابر ضربات شوک منفی درآمدی فراهم کند و لذا نرخ بهینه سرمایه‌گذاری در افق زمانی طولانی‌تر افزایش می‌یابد.</p>	<p>ایجاد صندوق‌های ثروت ملی با اهداف تثبیتی و پس‌اندازی از جمله ابزارهای ثبات‌بخشی بوده که می‌تواند ضمن هموارسازی مصارف دولت، از نوسانات مخارج مصرفی دولت در دوره‌های افزایش و کاهش قیمت نفت جلوگیری نماید و همچنین سطح مناسبی از سرمایه‌گذاری داخلی را به طور مستمر فراهم نماید. برای این منظور و تحت شرایط عدم اطمینان، در این پژوهش، با استفاده از برنامه‌ریزی پویا مدلی طراحی و کالیبره شده و از طریق آن سهم بهینه پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مصرف درآمدهای نفتی ایران برای یک افق ۶۵ساله استخراج شده و همچنین تأثیر تغییر افق زمانی و تغییر در ثروت اولیه بر مقادیر بهینه محاسبه شده است.</p>
<p>بهرامی و همکاران (۱۳۹۷)</p>	<p>ایجاد صندوق در کوتاه‌مدت، به بهبود وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی کمک نمی‌کند و آثار مثبت چنین سیاستی در بلندمدت ظاهر می‌شود. علت این مسئله زمانبر بودن اثرپذیری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از تسهیلات اعطایی صندوق توسعه ملی و به تبع آن افزایش تولید بخش غیرنفتی در اقتصاد است. با این وجود در کوتاه‌مدت این امکان وجود دارد که با طراحی سیاست‌های ارزی یا بودجه‌ای بتوان از افت اولیه سطح فعالیت‌های اقتصاد بر اثر وضعیت صندوق کاسته و بر بهبود عملکرد صندوق افزود. علاوه بر این، چنانچه در سازوکار صندوق، سهم صندوق از درآمدهای نفتی شناور (اتخاذ سیاست ضدسیکلی در تخصیص درآمدهای نفتی به صندوق) باشد، به کاهش پیامدهای منفی شوک‌ها در کوتاه‌مدت کمک خواهد کرد، چرا که کمترین فشار اولیه تورمی، نوسانات در نرخ ارز و خالص بدهی بخش دولتی تحت این سناریو رخ می‌دهد.</p>	<p>ارائه یک الگوی کلانسنجی پویای متناسب با وضعیت اقتصاد ایران با لحاظ تکانه‌های مجزا و شبیه‌سازی‌های مربوطه است که در آن به ارزیابی پویایی‌های صندوق توسعه ملی و تأثیر آن بر متغیرهای اقتصاد کلان پرداخته شده است.</p>



<p>فقهی کاشانی و یحیوی (۱۳۹۷)</p>	<p>ایجاد یک صندوق ثروت ملی از مازاد مالی حاکمیت، حساسیت نکول و/یا وضعیت تنگدستی و/یا تغییر ساختار تعهدات بدهی حاکمیت را به شوک‌های نامساعد (داخلی و خارجی) وارده به اقتصاد کاهش خواهد داد تا زمانی که ارزش‌افزوده تعدیل شده با ریسک نهایی حاصل از صندوق مثبت باشد.</p> <p>ایجاد یک صندوق ثروت ملی از طریق انتشار اوراق بدهی حاکمیت، حساسیت نکول و/یا وضعیت تنگدستی و/یا تغییر ساختار تعهدات بدهی حاکمیت را به شوک‌های نامساعد (داخلی و خارجی) وارده به اقتصاد کاهش خواهد داد تا زمانی که اثرات نهایی اهرمی تعدیل شده باریسک حاصل از صندوق مثبت باشد.</p> <p>هر چه فاصله تا مرز نکول و/یا تنگدستی حاکمیت بیشتر باشد، هزینه‌های تامین مالی ایجاد صندوق کم‌تر خواهد بود.</p> <p>تا جایی که صندوق، فاصله تا نکول حاکمیت را افزایش می‌دهد، آن موجب کاهش در CDS حاکمیت می‌شود.</p> <p>تا جایی که صندوق، فاصله تا نکول حاکمیت را افزایش می‌دهد، «ریسک/ هزینه تمدید بدهی» برای حاکمیت پایین‌تر خواهد بود.</p> <p>وضعیت سیاست‌های پولی و مالی نقش مهمی در شکل‌دهی منافع و هزینه‌های نهایی صندوق درخصوص ریسک نکول حاکمیت در زمان ایجاد و در طول عمر صندوق ایفا می‌کنند.</p> <p>تا زمانی که صندوق، فاصله تا نکول حاکمیت را افزایش دهد، انگیزه‌های فرصت‌جویانه و ناسازگار با زمان تصور شده/ انتظاری آحاد اقتصادی (داخلی و خارجی) در رابطه با حاکمیت کاهش خواهد یافت.</p> <p>ایجاد صندوق یک کانال (متقابل) جدید برای انتقال سیاست‌های پولی و مالی پدید می‌آورد.</p> <p>حساسیت تأثیر نهایی (کارایی) سیاست‌های پولی و مالی با وجود صندوق متفاوت از عدم وجود آن است.</p> <p>بهبود در برجهندگی مالی حاکمیت حاصل از صندوق در مقابل شوک‌های نامساعد (داخلی و/یا خارجی) که به اقتصاد وارد می‌شوند، متضمن بهبود در تخصیص منابع خواهد بود تا زمانی که هزینه فرصت نهایی بناسازی صندوق کم‌تر از منافع نهایی ایجاد آن باشد.</p>	<p>تحلیل تئوریک چگونگی امکان اثربخشی صندوق‌های ثروت ملی بر ریسک حاکمیت می‌پردازد که این امر، در حضور برخی اصطکاک‌ها می‌تواند بخش مالی و به تبع آن بخش واقعی اقتصاد کشور ایجادکننده صندوق را تحت تأثیر قرار دهد.</p>
<p>نبی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)</p>	<p>تجربه جمهوری اسلامی ایران باتوجه به حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی نشان داده است وضعیت کنونی مدیریت درآمدهای نفتی نه تنها به تاب‌آوری اقتصاد منجر نمی‌گردد، بلکه اقتصاد ایران به شدت در مقابل نوسانات نفتی آسیب‌پذیر است. آنچه باید به عنوان اصول اساسی صندوق ثروت ملی ایران مدنظر قرار گیرد عبارت است از: مقررات مالی صندوق توسط وزارت امور اقتصاد و دارایی تدوین شود؛ در خصوص مصارف صندوق سهم‌های مشخص بر اساس کارکرد تعیین شود؛ صندوق در مشارکت‌های منطقه‌ای با سایر نهادهای مالی، فعال شود؛ دارای ساختار مناسب جهت عدم بهره‌برداری سیاسی در تغییرات دولت‌ها باشد؛ تغییر در قوانین و مقررات آن با سهولت امکان‌پذیر نباشد؛ موفقیت صندوق به اقتدار سیاست‌های مالی و الزام و تعهد کامل و در واقع عمل بر اساس قاعده و اجتناب از مصلحت‌گرایی باشد.</p>	<p>این پژوهش به دنبال کمک به بهبود اقتصاد و کاهش اثرات منفی وابستگی به درآمدهای نفتی، زمینه کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد از تکانه‌های برون‌زا و در نهایت افزایش قدرت دفاع و تاب‌آوری اقتصاد کشور را فراهم آورده است.</p>

<p>نوفرستی و عبدالمهی (۱۳۹۷)</p>	<p>سناریو ۱: اگر ۲۰ درصد اعتبارات به صورت ریالی و ۸۰ درصد اعتبارات به صورت ارزی در نظر گرفته شود و اعتبارات ریالی، به طور مساوی بین دو بخش کشاورزی و صنعت و اعتبارات ارزی نیز به طور مساوی بین چهار بخش کشاورزی، صنعت، ساختمان و خدمات تخصیص داده شود، تولید ناخالص داخلی نسبت به روند مبنا ۱/۸۲ درصد افزایش و سطح عمومی قیمت‌ها به اندازه ۱۸ درصد کاهش خواهد داشت.</p> <p>سناریو ۲: هرچه سهم اعتبارات ارزی بیشتر و سهم اعتبارات ریالی کم‌تر باشد، آثار اقتصادی آن از جنبه رشد اقتصادی و کاهش سطح عمومی قیمت‌ها، مناسب‌تر است.</p> <p>سناریو ۳: با فرض اینکه ۸۰ درصد اعتبارات به صورت ارزی و ۲۰ درصد به صورت ریالی است، سهم تمام بخشهای اقتصادی از اعتبارات ارزی و نیز اعتبارات ریالی، برابر در نظر گرفته شد. نتایج نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی در دوره مورد بررسی نسبت به سناریوی مبنا، به میزان ۱/۱۳ درصد افزایش و سطح عمومی قیمت‌ها به اندازه ۱۳/۷ درصد کاهش خواهد داشت. مقایسه چگونگی تخصیص منابع و نتایج منتج از آن در این سناریو و سناریوی شماره (۱) نشان می‌دهد که بهتر است اعتبارات ریالی تنها به دو بخش کشاورزی و صنعت تخصیص یابد.</p> <p>سناریو ۴: تخصیص منابع ارزی بر اساس سهم سرمایه‌گذاری بخش‌ها از مجموع سرمایه‌گذاری بخش‌های مورد نظر لحاظ گردید. در این حالت، سهم بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی، به ترتیب ۸۲ درصد، ۱۴ درصد و ۴ درصد خواهد بود. بر این اساس، تولید ناخالص داخلی نسبت به سناریوی مبنا، به میزان ۱/۹۴ درصد افزایش و سطح عمومی قیمت‌ها ۱۳/۰۶ درصد کاهش خواهد داشت.</p> <p>سناریو ۵: تخصیص منابع صندوق به بخش‌های مختلف اقتصادی بر اساس سهم بخش‌های اقتصادی از ارزش افزوده لحاظ گردید. در این حالت سهم بخش‌های خدمات، صنعت، کشاورزی و ساختمان به ترتیب معادل ۶۵ درصد، ۲۰ درصد، ۷ درصد و ۸ درصد است. نتایج نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی نسبت به سناریوی مبنا، حدود ۱/۵۴ درصد افزایش و سطح عمومی قیمت‌ها حدود ۱۳/۰۸ درصد کاهش خواهد یافت. بنابراین، ملاحظه می‌شود که وقتی سهم بخش‌های اقتصادی از منابع ارزی بر اساس سهم سرمایه‌گذاری بخش‌ها از کل سرمایه‌گذاری در نظر باشد و منابع ریالی به طور مساوی به دو بخش کشاورزی و صنعت تخصیص داده شود، نتایج مطلوب‌تری حاصل می‌گردد.</p>	<p>بررسی آثار تخصیص منابع صندوق توسعه ملی به صورت ارزی و ریالی و تخصیص بین بخشی در اقتصاد مورد ارزیابی قرار گرفته است.</p>
--	---	--



<p>حسین زاده یوسف آباد و همکاران (۱۳۹۶)</p>	<p>نتایج به دست آمده حاکی از اثرگذاری معنی‌دار درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی و مصرف در سناریوهای سه‌گانه دارد. اتکا بر درآمدهای مالیاتی در سناریو دوم و سوم در کوتاه‌مدت منجر به کاهش در مصرف، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری شده است اما در بلندمدت تأثیر آن بر متغیرهای ذکرشده مثبت می‌باشد. نتایج حاصل‌شده از سناریو سوم بیانگر آن بود که دولت به درآمدهای مالیاتی و عوارض گمرکی و سرمایه‌گذاری از طریق منابع ارزی صندوق توسعه ملی منجر به افزایش در رشد اقتصادی، مصرف و سرمایه‌گذاری شده است.</p>	<p>نقش صندوق توسعه ملی در کاهش نوسانات اقتصادی ایران در سه سناریو و در دوره زمانی ۱۳۶۸-۱۳۹۵ با استفاده از روش تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE) بررسی شده‌اند. در سناریو اول فرض شده است که دولت تنها از درآمدهای نفتی استفاده میکند و هیچ بخشی از درآمدهای نفتی را در صندوق توسعه ملی واریز نمیکند. در سناریو دوم فرض بر استفاده دولت از درآمدهای نفتی و مالیاتی و واریز بخشی از درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت در صندوق توسعه ملی است. سناریو سوم دال بر استفاده صرف دولت از درآمدهای مالیاتی و واریز درآمد ناشی از فروش نفت در صندوق توسعه ملی است.</p>
<p>دیزجی و آهنگری (۱۳۹۴)</p>	<p>برای کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌توان نتیجه گرفت که افزایش نهادها و موسسات مالی در نهایت موجب کاهش نابرابری درآمدی خواهد شد.</p>	<p>تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه چیست؟</p>
<p>لاجوردی و همکاران (۱۳۹۴)</p>	<p>نتایج بررسی نشان می‌دهد که ساختار حقوقی-اقتصادی صندوق توسعه ملی، با معیارهای تحقق عدالت همخوانی ندارد و به منظور رفع تعارض، ساختار جدید که مبتنی بر تأسیس «مرکز علمی-پژوهشی صندوق» می‌باشد، پیشنهاد شده است. در ساختار جدید رعایت اصوب ذیل ضروری است: اصل «حفظ ثروت و نیاز» در بهره‌برداری از منابع طبیعی؛ اصل «رفع فقر و عدم تبعیض در توزیع فرصت‌ها و امکانات»؛ اصل «توازن اجتماعی» جهت رفع شکاف طبقاتی فاحش؛ اصل «برقراری مساوات» به منظور حفظ توازن اجتماعی</p>	<p>سؤال مهم این است که نقش صندوق توسعه ملی در تحقق عدالت اقتصادی چیست؟</p>

مروری بر اندیشه‌های اقتصاددانان در خصوص مفاهیم «رشد» و «توسعه»

بخش نخست



نیلوفر حسین تاش
مدیر خزانه

انتظارات آیندگان از نسل کنونی با توجه به رشد آگاهی‌ها، تغییرات نیازها و خواسته‌ها و منابع در اختیار، در حال دگرگونی است. با این حال وظیفه ذاتی هر نسلی آن است که از آنچه به صورت خدادادی در اختیار داشته، با حداقل مخاطره، صیانت نموده و ضمن پرهیز از اتلاف منابع در اختیار، با روش‌های هدفمند آنرا پایدار کرده و بر پایه عدالت، این ثروت امانت داده شده را به آیندگان و نسل‌های بعدی تحویل دهد. صندوق توسعه ملی در قامت صندوق ثروت ایران، با توجه به اهداف عالی‌ای که در اساسنامه آن ذکر شده است در راستای این مهم گام برمی‌دارد. مطلب پیش‌رو با مروری بر اندیشه اقتصاددانان مکاتب مختلف در خصوص مباحث مربوط به رشد و توسعه، به معرفی مقوله سرمایه‌گذاری مولد و پویا بعنوان فصل مشترک توسعه کشورها؛ خواهد پرداخت. شایان ذکر است این مرور بر اساس دوره زمانی مکاتب اقتصادی و در دو قسمت شامل بخش نخست «نظریات اقتصاددانان کلاسیک تا ساختارگرایان» و بخش دوم «اقتصاددانان نئوکلاسیک تا مباحث توسعه پایدار بر اساس عدالت» مطرح خواهد شد.

بخش نخست

است. اما در مقابل بکارگیری ترکیب جدیدی از ابزارهای تولید با تحقق شروطی مشتمل بر تغییر شرایط تولید، معرفی و عرضه کالاهای نوین به بازار، کشف و عرضه منابع جدید، دستیابی به بازارهای نوین کالا و خدمات و شکل‌گیری سازمان‌ها و صنایع نوین تولیدی، منجر به توسعه می‌گردد. شومپیتر عوامل مزبور را به نوعی عامل به وجود آمدن انقلاب در تولید می‌دانست. در چنین وضعیتی،

جامعه و متعاقب آن انباشت سرمایه، منجر به رشد فزاینده و پیشرفت اقتصادی جوامع می‌گردد. بعد از این دوره، «شومپیتر» برای نخستین بار دو مفهوم رشد و توسعه اقتصادی را از یکدیگر جدا نمود. از نظر وی، رشد اقتصادی، جریان آرام و تدریجی گسترش تولید است. در واقع چنانچه بدون تغییر در روش تولید، تولید ناخالص ملی افزایش یابد، رشد اقتصادی حادث شده

در دیدگاه «اقتصاددانان مکتب کلاسیک»، فرآیند توسعه به معنای امری خود مطرح نبود. در واقع اندیشه‌های این اقتصاددانان بیشتر در زمینه رشد و پیشرفت اقتصادی مطرح گردید که مهمترین بخش آن از طریق گسترش بازارها جستجو می‌شد. از منظر طرفداران این مکتب، تولید و فروش هر چه بیشتر کالاها و خدمات و تأکید به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در



اقتصاد از ایستایی به سمت پویایی حرکت کرده و توسعه محقق می‌شود. ویژگی‌های فرآیند توسعه از نظر وی شامل این نکات بود: به کارگیری همه عوامل بوجود آورنده تولید و ترکیب آنها با روش‌های نوین، نحوه تأمین مالی فعالیت‌ها در شکل جدید، نقش و وظیفه معرفی‌کنندگان روش‌های نوین (کارآفرینان و نوآوران).

اقتصاددان دیگری که در اینجا به بررسی اجمالی اندیشه‌های وی در باب توسعه خواهیم پرداخت «جان مینارد کینز» است. گرچه وی نظریه‌پرداز توسعه اقتصادی نبود، اما راه‌حلی که برای خروج از بحران رکود بزرگ ارائه داد، می‌تواند الگویی برای دستیابی اقتصاد به مراحل بالاتر رشد و پیشرفت در نظر گرفته شود. از دیدگاه این اقتصاددان، حلقه اتصال درآمد، تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری؛ تقاضای موثر و محرک این ارتباط، میل نهایی به مصرف است. هر چه بخش بیشتری از افزایش درآمد قابل تصرف مصرف شود، تقاضای موثر افزایش یافته و

در نتیجه از عوامل و منابع بیشتر استفاده می‌شود. در پاسخ به افزایش مصرف، تقاضا برای سرمایه‌گذاری نیز افزایش می‌یابد. وی مطرح می‌کند که در هنگام رکود که بیکاری ناشی از کمبود تقاضای موثر وجود دارد، امکان افزایش تولید به واسطه افزایش تقاضای موثر وجود دارد. زمانیکه صنایع تولیدکننده کالای مصرفی دارای ظرفیت اضافی باشند، از طریق افزایش هزینه دولت، درآمد افزایش پیدا کرده و تقاضا برای اینگونه کالاها زیاد می‌شود و در نتیجه تولید نیز با رشد مواجه خواهد شد. لذا بایستی منابع مالی لازم در اختیار عرضه‌کنندگان قرار گیرد و سرمایه‌گذاران با محدودیت منابع مواجه نباشند. به بیان دیگر برای رفع رکود اقتصادی، اعمال سیاست‌های کسری بودجه توسط دولت‌ها می‌تواند موثر واقع شود.

اساس این الگو، میزان بهینه سرمایه برای تولید، به چندین عامل وابسته است: تکنولوژی، مهارت‌های مدیریتی، توانایی کارآفرینی و میل به پیشرفت، وجود نهادهای مالی رهنمون‌کننده پس‌اندازها به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، کارکرد نهاد دولت و حاکمیت به خصوص در پشتیبانی از فعالیت‌های سرمایه‌گذاران، ابعاد و اندازه بازارها، ثبات سیاسی و اقتصادی و نهایتاً تخصص و مهارت و توانایی نیروی کار. بر این اساس، الگوی مذکور عنوان می‌کند که نرخ رشد اقتصادی با پس‌انداز (بعنوان ضریب ثابتی از درآمد) رابطه مستقیم داشته و با نسبت سرمایه به تولید رابطه معکوس دارد. لذا هر چه اقتصاد، توانایی بیشتری برای پس‌انداز داشته و بهره‌وری سرمایه بالاتر باشد، رشد اقتصادی بالاتر است.

الگوی رشد «هارود-دومار» پاسخی برای این مساله است که برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار چه شرایطی لازم است. در پاسخ به این پرسش این نتیجه حاصل شده است که رشد مستمر، مستلزم افزایش دائمی میزان سرمایه‌گذاری است. چراکه سرمایه‌گذاری بیشتر موجب افزایش درآمد و تقاضای موثر خواهد شد. افزایش تقاضا موجب ترغیب سرمایه‌گذاران (بعنوان صاحبان عوامل تولید) برای بدست آوردن سود بیشتر می‌گردد، بنابراین سرمایه‌گذاری مناسب برای رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری جدیدی است که موجب بهبود وضع تولید ناخالص داخلی گردد. مفروضات این الگو شامل آن است که پس‌انداز ضریب ثابتی از درآمد بوده و سرمایه‌گذاری تغییر در موجودی سرمایه است. همچنین بر

موجود بر سر راه توسعه اقتصادی کشورهای در حال گذار. رودن معتقد است برای توسعه اقتصادی نیاز به اقداماتی است که بدون دخالت دولت صورت نمی‌گیرد، این موارد عبارتند از تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص و سرمایه‌گذاری وسیع و همزمان در تمام بخش‌های اقتصادی. وی همچنین برای تأمین مخارج سرمایه‌گذاری؛ کاهش واردات کالاهای مصرفی، افزایش صادرات و استقراض را پیشنهاد می‌کند.

«لوئیس» نظریه توسعه اقتصادی در شرایط عرضه نامحدود نیروی کار را مطرح نمود و در مباحث خود بر ساختار دوگانه اقتصادهای توسعه نیافته متشکل از دو بخش سنتی و مدرن (سرمایه‌داری) تأکید نمود. وی توسعه را فرآیندی می‌داند که اقتصاد سنتی را به اقتصاد سرمایه‌داری تبدیل کند. «روستو» نیز مباحث خود در زمینه رشد اقتصادی را مطرح نمود. وی معتقد است کشورها برای قرار گرفتن در رشد بالای اقتصادی، بایستی از پنج مرحله عبور کنند. این مراحل شامل جامعه سنتی، مرحله

ماقبل خیز (جهش) اقتصادی، مرحله خیز (جهش) اقتصادی، مرحله بلوغ اقتصادی و مرحله مصرف سرشار و انبوه می‌باشد. «لوئیس-روستو» در بیانیه مشترک خود در زمینه رشد و توسعه اعلام نمودند که: ۱- رشد اقتصادی که از طریق افزایش درآمد سرانه حاصل شود، مشخص‌کننده توسعه اقتصادی است. همچنین از طریق گسترش آموزش و تخصص نیروی کار می‌بایست تغییرات ساختاری در جامعه ایجاد شود. ۲- توسعه اقتصادی در معنای عام، مستلزم تحول اقتصاد معیشتی، سنتی و راکد به سوی اقتصاد صنعتی، سرمایه‌داری و مدرن است. ۳- عامل تعیین‌کننده میزان رشد، تشکیل سرمایه است، که خود تابع سهم



ضروری است. این کشورها نیاز به برنامه‌ریزی کامل و جامعی دارند. این اقتصاددان فعالیت اقتصادی دولت را مشروط و موقتی دانسته و معتقد است زمانیکه دولت اقتصاد را از رکود خارج کرد و دوران شکوفایی اقتصاد آغاز شد، بخش خصوصی جایگزین دولت می‌شود. رودن در نظریه خود به نقش صرفه‌جویی‌های خارجی، وجود وابستگی متقابل بین بخش‌های مختلف اقتصادی؛ وجود جمعیت مازاد روستایی و بیکاری پنهان؛ صرفه‌جویی‌های پولی خارجی و سرمایه ثابت اجتماعی به عنوان عوامل تاثیرگذار تأکید می‌نماید. بر این اساس نظریه فشار بزرگ عبارت است از رشد متعادل به معنای برنامه‌ریزی جامع و کامل سرمایه‌گذاری برای رفع موانع

نظریه رشد اقتصادی بعدی مربوط به «روزن اشتاین رودن» است. این نظریه تحت عنوان نظریه فشار همه جانبه، جهش یا فشار بزرگ نام‌گذاری شده و شامل این مفروضات است: دولت در اقتصاد دخالت دارد؛ تکنولوژی در حال پیشرفت است؛ توابع تولید تقسیم‌ناپذیر است (لذا بازدهی فزاینده و صرفه‌جویی‌های خارجی تکنولوژیکی را به همراه دارد)؛ مکانیزم بازار قادر به تأمین امکانات لازم برای توسعه نیست. رودن معتقد است کشورهای در حال گذار، با رکود مواجه‌اند و خروج از این وضعیت نیازمند سرمایه‌گذاری‌های زیادی است. به علت انباشت ضعف نیروهای مولد و فقدان مکانیزم بازار برای تعدیل قیمت‌ها، دخالت دولت در اقتصاد



پس انداز از درآمد ملی است. ۴- سرمایه‌گذار کارآفرین نقش حیاتی و اصلی در رشد اقتصادی دارد، چرا که این گروه انگیزه کسب سود و درآمد بیشتری در اقتصاد دارند و از عقلانیت و منطق اقتصادی بیشتری در بکارگیری عوامل مختلف برخوردارند. ۵- برای دستیابی به حداکثر رشد اقتصادی، بخش عمده درآمد بایستی در اختیار کسانی قرار گیرد که میل به پس انداز و سرمایه‌گذاری بیشتری دارند. ۶- عامل محدودکننده رشد، کمبود سرمایه است. کشورهایی که با کمبود سرمایه در تحول از اقتصاد سنتی به اقتصاد سرمایه‌داری مواجهند، می‌توانند از منابع مالی خارجی نیز استفاده کنند.

ریشه واحد نظریات «اقتصاددانان مکتب ساختارگرایی» (رائول پربیش، فورتادو، هانس سینگر، سیرز و ...) درخصوص توسعه‌یافتگی کشورها و یا عدم آن، مربوط به ساختار اقتصادی کشورهاست. از منظر این گروه، اعم دلایل توسعه نیافتگی کشورها شامل این موارد است: بخش عمده اقتصاد سنتی بوده و تکنولوژی و بهره‌وری تولید در آنها پایین است. این بخش قادر به طراحی و تولید کالای سرمایه‌ای نبوده، توانایی استفاده از منابع و تولیدات بخش مدرن را نیز دارا نمی‌باشد. نیروی کار بخش پیشرفته اقتصاد، درصد کمی از کل نیروی کار را پوشش می‌دهد. انعطاف ناپذیری داخلی در قسمت‌های کلیدی اقتصاد وجود دارد. رشد جمعیت بالا و درآمد سرانه پایین است و تورم بالا جزء لاینفک این اقتصادهاست. پس انداز غیرمولد بوده و بدون ایجاد تولید و افزایش اشتغال، صرفاً موجب ایجاد درآمد برای قشر محدودی می‌شود. کشش عرضه محصولات داخلی و کشش تقاضای واردات در بخش مدرن پایین است. لذا در مجموع اقتصاد این کشورها، امکان رشد پویای داخلی را ندارد. برای این کشورها،

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همانگونه که ملاحظه شد، در روند دستیابی به رشد و توسعه، اهمیت سرمایه و سرمایه‌گذاری همواره مورد تأکید اقتصاددانان بوده است.

این مسأله به خصوص برای کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه که با مسأله رشد جمعیت، پایین بودن درآمد سرانه، مشکلات ساختاری و چالش‌های مربوط به انباشت عقب ماندگی مواجهند، اهمیت بیشتری دارد. مروری بر اندیشه اقتصاددانان درباب رشد و توسعه، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مولد و پویا و بسط آن، فصل مشترک نقطه نظر مکاتب مختلف به منظور حرکت در مسیر توسعه محسوب می‌شود.

فرآیند توسعه از طریق افزایش درآمد سرانه و تعدیل در ساختارها بوجود می‌آید. با تعدیل و اصلاحات ساختاری، به جای آنکه عوامل خارجی، موجبات رشد را فراهم کنند، ظرفیت داخلی این اقتصادها، موجب رشد می‌گردد. در این راستا، طرفداران این مکتب، استراتژی توسعه جایگزینی واردات را مطرح می‌کنند. بدین مفهوم که دولت‌ها با اتخاذ سیاست‌های مناسب در مسیر توسعه، به سمت جایگزینی واردات با تولید داخلی، حرکت کنند. از جمله ابزارهای سیاستی دولت‌ها در این زمینه برای افزایش قابلیت رقابت بخش خصوصی و افزایش کارایی اقتصاد؛ تعرفه، نرخ ارز، نرخ بهره، ابزارهای مالیاتی و امتیازات سرمایه‌گذاری است.

سازمان فرایند محور:

مفاهیم، چگونگی تحقق



ایمان داداش پور
کارشناس طراحی و
ترسیم فرایندهای
سازمانی

در سازمان‌های فرایند محور باید بر روی روند انجام کار و همچنین بر روی خود فرایندها تمرکز داشت که موجب بهبود در بهره‌وری سازمان و نظارت بر عملکرد می‌شود. مدیریت فرایند کسب و کار شامل چندین لایه از اقدامات مربوط به مطالعه، شناسایی، و بهینه سازی فرایندها است. بر این اساس؛ سازمان‌های فرایند محور، چارچوب‌های خود را برای ایجاد ارتباط بین استراتژی‌های کسب و کار و واحدهای عملیاتی سطح بندی می‌کنند.

سازمان فرایند محور

سازمان فرایند محور (Process-oriented Organization) یک مدل سازمانی است که تمرکز اصلی آن بر روی فرایندها و جریان کار است. در این مدل، سازمان به عنوان یک سیستم از فرایندها در نظر گرفته می‌شود و تمام فعالیت‌ها و وظایف به صورت فرایندهای متصل به یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند. هدف اصلی سازمان فرایند محور، بهبود کارایی و کیفیت فرایندها و خدمات است. این مدل سازمانی معمولاً با استفاده از ابزارها و تکنیک‌های مدیریت فرایند کسب و کار (Business Process Management) پیاده‌سازی می‌شود.

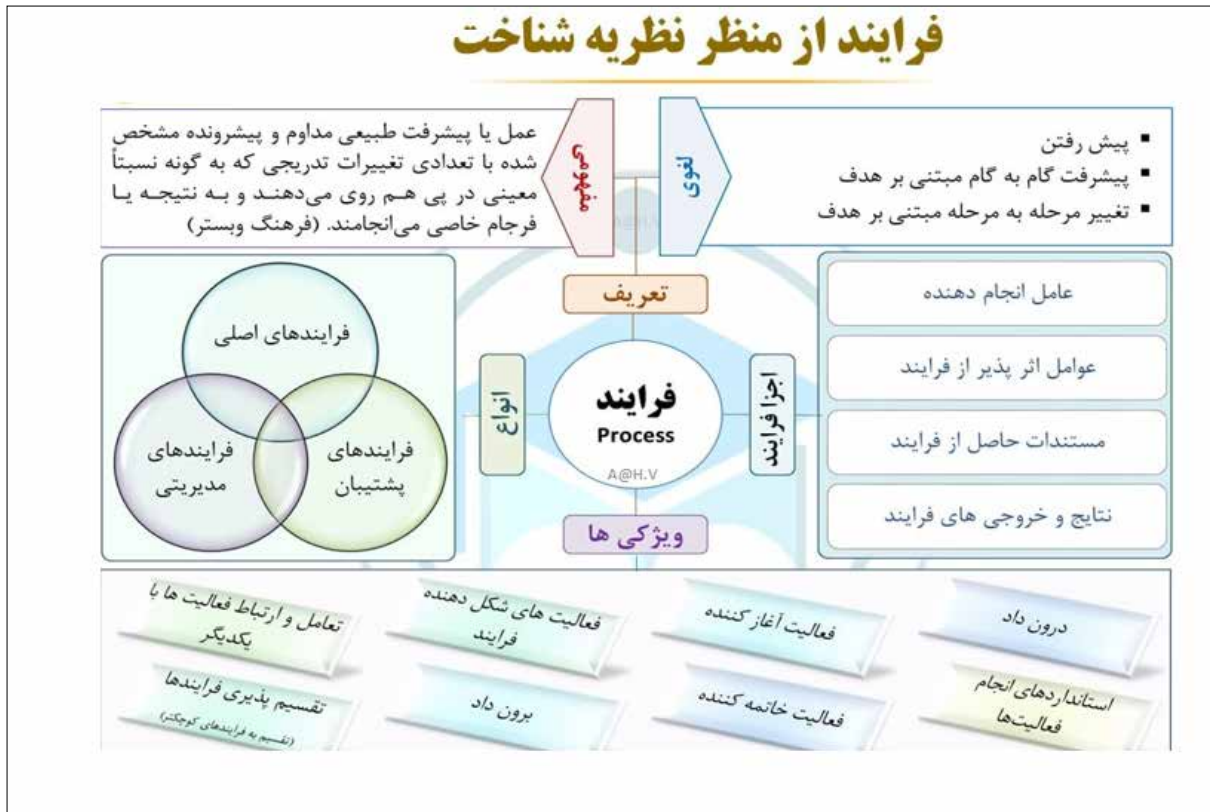
به بهبود و بهینه‌سازی فرایندها می‌پردازد. این شامل مراقبت و نظارت بر عملکرد فرایندها، شناسایی نقاط ضعف و موانع، ارزیابی و اصلاح فرایندها و افزایش بهره‌وری است. همچنین، سازمان می‌تواند از ابزارها و تکنیک‌های مدیریت فرایند کسب و کار برای اتوماسیون و بهبود فرایندها استفاده کند. این فرایند به صورت مستمر ادامه می‌یابد تا سازمان بتواند عملکرد خود را بهبود داده و به اهداف خود دست یابد.

امروزه پیاده سازی فرایندهای سازمانی، یک کار ضروری و غیر قابل اجتناب است. عصر اطلاعات نحوه انجام فرایندها در سازمان‌ها را تغییر داده

در سازمان فرایند محور، تمرکز بر روی فرایندها و جریان کار باعث می‌شود که سازمان بهبود کارایی و کیفیت خدمات خود را تجربه کند. با تمرکز بر فرایندها، سازمان قادر است بهبودهای مستمر را اعمال کند، ضعف‌ها و مشکلات را شناسایی کند و راهکارهای بهتری را برای انجام کارها پیدا کند. این مدل سازمانی همچنین به کاهش هدررفت منابع، افزایش هماهنگی بین بخش‌ها و بهبود ارتباطات در سازمان کمک می‌کند. در نتیجه، سازمان فرایند محور می‌تواند بهبود عملکرد و عملکرد سازمان را تسهیل کند.

بعد از پیاده‌سازی سازمان فرایند محور، سازمان به صورت مستمر

فرایند از منظر نظریه شناخت



رویکرد کاری پیوسته و مداوم است. فرایند محوری یک طرح موقتی نبوده، بلکه راه و روشی دائمی و فراگیر است.

مدیریت فرآیند کسب و کار (BPM) چیست؟

مدیریت فرآیند کسب و کار (BPM) عملی برای تجزیه و تحلیل و بهبود فرآیندهای کسب و کار است. این یک فعالیت مداوم است که زمینه های بهبود را شناسایی می کند و با کاهش تنگناها (Bottlenecks)، خودکارسازی وظایف دستی و بهبود کارایی کلی، استراتژی موجود را تغییر می دهد. BPM، یک عمل یا فناوری تک بعدی نیست. بلکه شامل چندین لایه از اقدامات مربوط به مطالعه، شناسایی، و بهینه سازی فرآیندها برای اطمینان از اجرای یکنواخت عملیات روزانه است و می تواند در طول زمان بهبود یابد.



است و پیشرفت های اخیر در پردازش اطلاعات و دسترسی گسترده به شبکه های پرسرعت، به سازمان ها فرصت های بی نظیری برای جمع آوری، حفاظت و استفاده از دانش سازمانی را ارائه می دهد. برای انجام این کار، سیستم ها و فرآیندهای نرم افزاری جدیدی برای ادغام اطلاعات موجود، توسعه یافته و در سراسر سازمان استفاده می شود. این رویکردهای جدید در مجموع به عنوان «پیاده سازی فرآیندهای سازمانی» شناخته می شوند.

فرایندگرایی روشی است که با محور قراردادن فرایندهای کسب و کار و حذف فعالیت های بدون ارزش افزوده، برای سازمان مزیت رقابتی در پی دارد. برای اینکه سازمان در راه فرایندگرایی گام بردارد، باید در پیاده سازی موارد زیر اهتمام ورزد:

۱. تشخیص فرایندها: شناسایی و نام گذاری فرایندها گامی بسیار حساس و بنیادین است. برخی سازمان ها به اشتباه، فعالیت های وظیفه ای کنونی را فرایند به حساب می آورند.
۲. شناساندن اهمیت فرایندها به همه دست اندرکاران: به نحوی که باید فرایندها، نام آنها، ورودی ها و خروجی ها و ارتباطات آنها برای همه افراد ملموس باشد.
۳. انتخاب معیار ارزیابی: برای اطمینان از کارکرد درست فرایندها، باید بتوان پیشرفت آنها را اندازه گرفت و این کار نیازمند به معیارهایی است.
۴. به کارگیری مدیریت فرایندگرا: سازمان فرایند محور بایستی همواره در بهسازی فرایندهای خود بکوشد زیرا این

چرا مدیریت فرآیند کسب و کار (BPM) مهم است؟

فرآیندها همه جا هستند. تمام فعالیت های تجاری معمول در شرکت شما به صورت فرآیندی اتفاق می افتد. وقتی فرآیندها را جدی می گیرید، آنها به ابزارهایی تبدیل می شوند که به شما در دستیابی به اهداف تجاری کمک می کنند. مدیریت فرآیند تأثیر مثبتی بر تیم ها، دپارتمان ها و کارمندان دارد. مزیت اساسی BPM این است که کارایی سازمانی را افزایش می دهد. کار به سرعت اتفاق می افتد و منجر به سفر سریعتر به سمت بهبود تجارت شما می شود. به عنوان مثال، هنگامی که فرآیند پذیرش کارمند کارآمد می شود، سه تأثیر مثبت بر سازمان خواهد گذاشت.

- تجربه بهتری از ورود به سیستم، زیرا بخش منابع انسانی مراحل ورود به سیستم را مبتنی بر فرآیند مشخص می کند.
- شفافیت مسئولیت های بخش های درگیر در فرآیند پذیرش کارمند جدید (مانند فناوری اطلاعات و امور مالی) که کار آنها را آسان تر می کند.
- ارتقاء تجربه کارمندی باعث می شود کارمند جدید با محل کار جدید راحت باشد و زمان را برای انطباق او با تیم جدید کاهش می دهد.

مراحل چرخه عمر BPM

BPM دارای یک دنباله از مراحل است که یک چرخه را تشکیل می دهد. در اینجا پنج مرحله اصلی در چرخه عمر BPM آورده شده است:

۱. طرح؛ فرآیندی را انتخاب کنید یک چارچوب تقریبی از فرآیند طراحی کنید و مراحل گردش کار را تعریف کنید. برای هر مرحله ذینفعان را تعیین کنید.
۲. مدل؛ طرح را به یک نرم افزار مدیریت کسب و کار (BPMS) منتقل کنید و فرآیند را مدل کنید. مدل باید تصویر روشنی از هر مرحله، شرایط و ذینفعان ارائه دهد.
۳. اجرا؛ فرآیند را در محیط اجرا خود مستقر کنید. کارمندان را در مورد نحوه عملکرد فرآیند جدید و وظایف آنها آموزش دهید.

۴. نظارت؛ معیارهای مناسب برای پیگیری و نظارت بر فرآیند را شناسایی کنید. تجزیه و تحلیل کامل را در فواصل زمانی منظم انجام دهید.

۵. بهینه سازی؛ از بینش حاصل از تجزیه و تحلیل برای بهبود عملکرد فرآیند استفاده کنید. به طور مداوم فرآیند را بهینه کنید تا بهترین کارایی را داشته باشید.

ضرورت پیاده سازی مدیریت فرایندهای کسب و کار در سازمانها

۱- بهبود کارایی؛ با پیاده سازی مدیریت فرایندهای کسب و کار، سازمان قادر خواهد بود فرایندهای خود را بهبود داده و به صورت مداوم به کارایی بیشتری دست یابد. این بهبود کارایی می تواند منجر به کاهش هزینه ها، زمان و انرژی مصرفی شود.

۲- افزایش کیفیت؛ با استفاده از مدیریت فرایندهای کسب و کار، سازمان قادر خواهد بود فرایندهای خود را بهبود داده و کیفیت خدمات و محصولات خود را افزایش دهد. این امر می تواند منجر به افزایش رضایت مشتریان و افزایش تقاضا برای محصولات و خدمات سازمان شود.

۳- افزایش انعطاف پذیری؛ با پیاده سازی مدیریت فرایندهای کسب و کار، سازمان قادر خواهد بود به سرعت و به راحتی به تغییرات در محیط کسب و کار و نیازهای مشتریان پاسخ دهد. این انعطاف پذیری می تواند سازمان را قادر به رقابت در بازار و تطبیق با تغییرات فناوری و رقبا کند.

۴- بهبود هماهنگی؛ با پیاده سازی مدیریت فرایندهای کسب و کار، سازمان قادر خواهد بود بهبود هماهنگی بین بخش ها و تیم های مختلف خود را دست یابد. این هماهنگی می تواند منجر به کاهش تداخل ها و افزایش همکاری و تعامل بین اعضای سازمان شود. با توجه به این دلایل، پیاده سازی مدیریت فرایندهای کسب و کار در سازمانها بسیار ضروری است و می تواند بهبود بهره وری سازمان را بهبود بخشد.

BPM

مدیریت فرآیند کسب و کار

Business Process Management



بهینه سازی



نظارت



اجرا



مدلسازی



طراحی



صندوق توسعه ملی



www.ndf.ir
روابط عمومی صندوق توسعه ملی